

مفاهيم اساسي

فلسفه

هنگام



تایگر روهولت

ترجمه بهند سلطان دوست



مفاهيم اساسي
فلسفه هنر

- سرشناسه: روهولت، تایگر سی.
عنوان و نام پدیدآور: مفاهیم اساسی فلسفه هنر/ تایگر روهولت؛ ترجمه سهند سلطان دوست.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۵۳-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Key terms in philosophy of art, 2013.
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: هنر - فلسفه
موضوع: Art -- Philosophy
شناسه افزوده: سلطان دوست، سهند، ۱۳۶۸ -، مترجم
رده بندی کنگره: N۷۰
رده بندی دیویی: ۷۰۰/۱
شماره کتاب شناسی ملی: ۸۹۷۴۷۹۶

مفاهيم اساسي
فلسفه هنر

تايگر روهولت
ترجمة سهند سلطان دوست



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Key Terms in Philosophy of Art

Tiger C. Roholt
Bloomsbury, 2013



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

* * *

تایگر روهولت

مفاهیم اساسی فلسفه هنر

ترجمه سهند سلطان‌دوست

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پرمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۰۴ - ۰۴۵۳ - ۸

ISBN: 978 - 622 - 04 - 0453 - 8

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

تقديم به شيرا

فهرست

۱۱		مقدمه مترجم
۱۵		قدردانی
۱۷		پیشگفتار
۲۱		مقدمه
۲۷		۱. اصطلاحات مهم
۲۷		زیباشناسی
۲۹		تجربه زیباشناختی
۳۲		حکم زیباشناختی
۳۵		ویژگی های زیباشناختی
۳۹		زیبایی
۴۴		کاتارسیس [نفس پالایی]
۴۶		سانسور
۴۹		هنر مفهومی
۵۲		خلاقیت
۵۸		تعریف هنر

۶۶	بی‌علاقگی
۶۹	احساس
۷۶	اخلاق
۸۳	بیانگری
۸۶	نقد فمینیستی
۸۹	صورت‌گرایی
۹۵	تفسیر
۹۹	مارکسیسم
۱۰۲	استعاره
۱۰۴	طبیعت
۱۰۷	هستی‌شناسی
۱۱۳	پدیدارشناسی
۱۱۷	سیاست
۱۲۱	هنر عامه‌پسند
۱۲۵	بازنمایی
۱۲۹	امر والا
۱۳۲	ارزش هنر

۱۴۱	۲. متفکران مهم
۱۴۱	آدورنو، تئودور و. (۱۹۰۳-۱۹۶۹)
۱۴۴	ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م)
۱۴۶	بارت، رولان (۱۹۱۵-۱۹۸۰)
۱۴۸	بیردزلی، مونرو (۱۹۱۵-۱۹۸۵)
۱۵۱	پل، کلايو (۱۸۸۱-۱۹۶۴)
۱۵۲	بنیامین، والتر (۱۸۹۲-۱۹۴۰)

۱۵۴.....	بوردیو، پی‌یر (۱۹۳۰-۲۰۰۲).....
۱۵۷.....	کالینگوود، رابین جورج (۱۸۸۹-۱۹۴۳).....
۱۵۸.....	دانتو، آرتور کلمن (۱۹۲۴-۲۰۱۳).....
۱۶۰.....	دیویی، جان (۱۸۵۹-۱۹۵۲).....
۱۶۱.....	دیکی، جورج (۱۹۲۶-۲۰۲۰).....
۱۶۳.....	گودمن، نلسون (۱۹۰۶-۱۹۹۸).....
۱۶۷.....	هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش (۱۷۷۰-۱۸۳۱).....
۱۶۸.....	هایدگر، مارتین (۱۸۸۹-۱۹۷۶).....
۱۶۹.....	هیوم، دیوید (۱۷۱۱-۱۷۷۶).....
۱۷۱.....	کانت، ایمانوئل (۱۷۲۴-۱۸۰۴).....
۱۷۳.....	نیچه، فریدریش (۱۸۴۴-۱۹۰۰).....
۱۷۶.....	افلاطون (۴۲۸-۳۴۸ ق.م).....
۱۷۸.....	شوپنهاور، آرتور (۱۷۸۸-۱۸۶۰).....
۱۸۰.....	سیبلی، فرانک نوئل (۱۹۲۳-۱۹۹۶).....
۱۸۲.....	والتون، کِنْدال (تولد: ۱۹۳۹).....
۱۸۴.....	ولهایم، ریچارد (۱۹۲۳-۲۰۰۳).....

۱۸۷.....	۳. متون مهم.....
۱۸۷.....	ارسطو، بوطیقا (حدود ۳۳۵ ق.م).....
۱۹۰.....	کلایو بل، هنر (۱۹۱۴).....
۱۹۳.....	آر. جی. کالینگوود، اصول هنر (۱۹۳۸).....
۱۹۶.....	جان دیویی، هنر به منزله تجربه (۱۹۳۴).....
۲۰۰.....	هگل، درس‌گفتارهایی در باب هنر زیبا (۱۸۳۵).....
۲۰۳.....	مارتین هایدگر، «سرآغاز کار هنری» (۱۹۳۶).....
۲۰۷.....	دیوید هیوم، «در باب معیار ذوق» (۱۷۵۷).....

ایمانوئل کانت، نقد قوه حکم (۱۷۹۰)..... ۲۱۰

افلاطون، جمهوری (حدود ۳۶۰ ق.م)..... ۲۱۳

۴. هنرها..... ۲۱۷

معماری..... ۲۱۹

رقص..... ۲۲۳

فیلم..... ۲۲۷

ادبیات..... ۲۳۰

موسیقی..... ۲۳۵

عکاسی..... ۲۳۹

تراژدی..... ۲۴۳

هنر تجسمی..... ۲۴۶

راهنمایی برای مطالعه بیشتر..... ۲۵۱

نمایه..... ۲۵۵

مقدمه مترجم

با مشورت ناشر، عنوان «مفاهیم اساسی فلسفه هنر» برای کتاب حاضر انتخاب شد؛ چنان‌که در زبان عربی هم به المفاهیم الأساسية فی فلسفة الفن ترجمه کرده‌اند. اما این کتاب، همان‌طور که مؤلف آن در نظر داشته و اشاره کرده، سرشت «درسنامه»‌ای دارد. نخست باید گفت که محتوای کتاب اعم از مفاهیم محض است، و افزون بر بخش اصلی و مفصل اول، یعنی «اصطلاحات مهم»، شامل مدخل‌هایی درباره متفکران و متون مهم در زمینه فلسفه هنر است؛ و نیز در پایان، بخش کوتاهی درباره هنرها دارد. پس عنوان کتاب همه محتوای آن را نمایندگی نمی‌کند.

دلیلی دیگر که اجازه می‌دهد از این اثر به عنوان درسنامه استفاده شود ویژگی‌های خود اثر است. احتمالاً بر خوانندگان پوشیده نیست که آثار متعددی، خاصه در سال‌های اخیر، با موضوع فلسفه هنر و زیباشناسی^۱ تألیف و ترجمه شده‌اند. مطالب خیلی از این آثار از حجم و

۱. در سراسر متن این ترجمه، نه از واژه «زیبایی‌شناسی/شناختی»، بلکه عمدتاً از «زیباشناسی/شناختی» استفاده شده است. این ترجیح تا حدی ناشی از این عقیده بوده است که مفهومی عینی به نام «زیبایی» وجود خارجی ندارد، بلکه صرفاً اعیانی هستند که، بر مبنای ذهنیتی، «زیبا» دانسته یا شمرده می‌شوند.

عمق بسیار بیشتری نسبت به کتاب حاضر برخوردارند؛ اما به باور من، امتیاز این کتاب همان فشردگی و سادگی در ارائه مباحث است که آن را شایسته کاربردِ نوآموزان می‌کند. به خاطر دارم که وقتی سال‌ها پیش، ابتدا به‌اجبار، سراغ مطالعه اولین کتاب برای یادگیری مقدمات فلسفه هنر رفتم، پاک آشفته و درمانده شدم. صفحات متعددی را ورق می‌زدم و به گمانم می‌خواندم، بی آن‌که چیز چندانی دستگیرم شود. گاهی شک می‌کردم که شاید هنوز زبان فارسی را درست نمی‌دانم یا نویسنده از زبانی فوق تخصصی یا سرّی استفاده کرده که من سر در نمی‌آورم. هر قدر به دقت می‌کوشیدم و شمرده‌شمرده (یا حتی با صدای بلند) می‌خواندم افاقه نمی‌کرد. نمی‌فهمیدم. بعدها اما دریافتم که، در آن مقطع، نه کتاب مذکور عیب و نقص آن‌چنانی داشته است و نه من آن‌قدری که خوف کرده بودم کندذهن و بی‌استعدادم. مشکل فقط این بود که مدخل مناسبی را انتخاب نکرده بودم؛ یا به بیان دقیق‌تر، کتابی به من معرفی نشده بود که در حد فهم نوآموز این حوزه باشد - به قول سعدی، «لقمه از حوصله بیش» بود. احتمالاً بسیاری از کتاب‌های موجود می‌توانند بلایی مشابه را بر سر خواننده نوپا در این عرصه بیاورند.

اما اعتقاد دارم این کتاب نسبتاً مختصر می‌تواند به‌واقع حکم درسنامه داشته باشد؛ یعنی به عنوان کتاب درسی دانشجویان رشته‌های هنری یا درآمدی برای آشنایی نوآموزان با فلسفه هنر به کار رود. خواننده حتی اگر از قبل مطلقاً هیچ مطالعه و اطلاعی درباره فلسفه هنر نداشته باشد، می‌تواند با همین کتاب ساده شروع کند. هر یک از مدخل‌های چهار فصل کتاب را، که در نسخه اصلی به ترتیب الفبایی تنظیم شده و هیچ یک حجم زیادی ندارند، می‌توان جداگانه و در حکم دريچه آشنایی با یکی از اصطلاحات، متفکران، متون یا هنرها مطالعه کرد. چنان‌که مؤلف نیز در پیشگفتار نوشته است، در عین حال می‌توان کتاب را از ابتدا تا انتها خواند. در آن صورت یکی دیگر از ویژگی‌های آن که درخور درس‌آموزی

است برجسته می شود: تکرار و یادآوری مطالب مهم در چارچوب های متفاوت. تکراری که شاید اگر هدف کتاب چیزی جز تدریس مقدماتی بود، به ویژه نزد خوانندگانی که آشنایی بیشتری با مطالب این حوزه دارند، آزارنده و ملال آور جلوه می کرد.

گرچه می توان پذیرفت که محتوای کتاب بیشتر مطابق نیازهای اولیه و مناسب سطوح مقدماتی است، باور دارم که خوانندگان پیشرفته تر در این زمینه هم به برخی مباحث جدید یا نه چندان آشنا برخورد خواهند کرد؛ چرا که نویسنده افزون بر آموزه های رایج در فلسفه هنر، از قبیل تعریف های سنتی از آن مبتنی بر تقلید (محاکات)، بازنمایی، بیانگری و غیره، به نظریه های جدیدتری از جمله نظریه نهادی هنر، و در کنار آرای فیلسوفان کهن (افلاطون و ارسطو) و کلاسیک (کانت و هگل و هیوم)، به اندیشه های فیلسوفان و نظریه پردازانی همچون مونرو بیردزلی، نلسون گودمن، آرتور دانتو، جورج دیکی، فرانک سیبلی، ریچارد ولهایم و کندال والتون پرداخته است که برخی از آنها در منابع فارسی هنوز آن طور که باید و شاید شناخته نشده اند.

در مجموع امیدوارم که همه خوانندگان در هر سطحی و با هر پیش زمینه ای از مباحث فلسفی هنر، حتی آن هایی که بیشتر مشغول بُعد عملی - و اصلی - هنرنند یا اساساً سر رشته ای از بُعد نظری اش ندارند و از آن گریزان اند، کتاب پیش رو را سودمند بیابند. در همین راستا تا حد امکان کوشیده ام بر میل مذموم مُغلق نویسی ام غلبه کنم و ترجمه ای ساده و سراسر ارائه دهم تا ناخواسته و بیهوده بر پیچیدگی احتمالی برخی مطالب دامن نزنم. همچنین ممنونِ تحریریه انتشارات ققنوس هستم که گره های دیگری را از زبان ترجمه ام گشوده اند.

جا دارد در پایان یادی از استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر مهدی کشاورز افشار، کنم که نطفه ترجمه این کتاب حین یکی از امور تحقیقی ای که ایشان به بنده محول کرده بودند بسته شد. از همسر بردبارم، خانم

سایما زنگی، سپاسگزارم که پیش‌نویس متن ترجمه را همراهم می‌خواندند و همچون «مخاطب هدف» مرا در نحوه انجام ترجمه یاری می‌دادند. همچنین از عزیزان نشر ققنوس ممنونم که کار با ایشان تجربه‌ای لذت‌بخش بود؛ امید که حاصل کار مقبول نظر بیفتد.

سهند سلطانی‌نوست

مردادماه ۱۴۰۱

قدردانی

قدردان همه افرادی هستم که طرح پیشنهادی کتاب حاضر را بررسی کردند، همچنین ویراستاران بلومزبری / کانتینیوم که پشتیبان، یاری‌رسان و بردبار بودند: کالین کوالتر و سارا کمپل.

در گذر سال‌ها از محبت و حمایت افراد متعددی در محافل فلسفه هنر بهره برده‌ام - تعدادشان بیش از آن است که بتوان این‌جا نام برد، اما مایلم از هان آپلکویست، کریستوفر بارتل، شریل بگرز، دیوید کلاونی، مارشا ایتن، لیدیا گوئر، تئودور گریسیک، کیت گاندرسون، مایکل کلی، جرولد لوینسون، مارگارت مور، جاناناتان نوفلد، هنری پرات و برایان سسک قدردانی کنم.

می‌خواهم سپاس صمیمانه خود را نثار همکاران دانشگاهی‌ام در دانشگاه دولتی مونت‌کلیر کنم که مرا به گرمی به جمع خود پذیرفتند: دیوید بسفیلد (آموزگاری حقیقی)، مارک کلاترباک، سیتیا آلر، رولند گرت، کریستوفر هررا، یاسر ابراهیم، استیون جانسون، مایکل کوگان، کرک مک‌درمید، دوروتی راجرز و لیساییل. از دانشجویان بسیاری که طی دوره‌های فلسفه هنرم پایه‌ای شوق من به این موضوع آمده و مباحث را به جد پی گرفته‌اند ممنونم؛ از این مباحث لذت برده و بسیار بسیار آموخته‌ام.

این کتاب پیشکشی است به دختر خوش‌قلب، خلاق و تیزهوشم، شیرا گال روهولت (که در زمان نوشتن این متن تقریباً ۱۷ ساله است). پدر بزرگ و مادر بزرگ او، لِس و دوروتی روهولت، همواره حمایت بی‌قید و شرطی از تلاش‌های مختلفم کرده‌اند؛ انگار آن‌ها از همان زمانی که سه‌ساله بودم مرا جدی گرفته بودند. من این بخت مساعد را داشتم که حضور افرادی از یک نسل قبل‌تر یعنی روبی و بیل اسمیت، پدر بزرگ و مادر بزرگِ مادری‌ام، را دریابم که تأثیری عظیم بر من نهادند. نیز بسیار قدردان محبت خانواده روزنبرگ هستم.

در پایان مشتاقم از جیل روزنبرگ خالصانه سپاسگزاری کنم بابت گفتگوهای زنده و زاینده در باب نویسندگی، هنر، فلسفه، و همهٔ امور دیگر، اما مهم‌تر از همه به خاطر لطف و کمکش به من - ما - برای شکوفایی در برابر چالش‌های زندگی.

پیشگفتار

این کتاب مناسب دانشجویانی است که برای نخستین بار سراغ فلسفه هنر می‌روند. کوشیده‌ام در ارائه توصیفات و توضیحات بنیادین و روشن درباره موضوع اصلی از زبانی سراسر استفاده کنم. این کتاب را سکوی پرتابی می‌دانم که دانشجویان را در فهم مطالب درسی‌شان یاری خواهد کرد. کتاب بر اساس نگاه خاصی شکل گرفته ناظر بر این که مقدمه‌ای راهگشا به فلسفه هنر به چه معناست. دانشجویی که نخستین بار با فلسفه هنر مواجه می‌شود، برخلاف (مثلاً) فلسفه ذهن، و بیشتر شبیه علم اخلاق، باید با سنت فلسفی و مبانی مواجه شود. فهم آنچه افلاطون، کانت و هگل درباره هنر در چنته دارند اغلب برای شناخت فیلسوفان معاصر الزامی است. شاید مهم‌تر از آن این باشد که آشنایی با این سنت دیدگاهی وسیع و عمیق درباره قلمرو و قابلیت فلسفه هنر به دانشجو می‌بخشد (که با دیدگاهی که ممکن است فرد با بررسی اثر فیلسوفان در دوره خاصی از تاریخ آن در زمینه‌ای فرعی کسب کند متفاوت است). باور به این نکات مرا در انتخاب مدخل‌ها و نیز محتوای آن‌ها هدایت کرده است. بنابراین، دانشجو مطالب فراوانی را درباره موضوعات معاصر خواهد یافت، که

شامل مدخل‌هایی درباره فیلسوفان معاصر آمریکایی از قبیل آرتور دانتو و کِندال والتون می‌شود و نیز مدخل‌هایی درباره چهره‌های تأثیرگذار قرن بیستم در اروپا نظیر مارتین هایدگر و تئودور و. آدورنو.

این کتاب را چگونه بخوانیم

این کتاب دربردارنده چهار فصل اصلی است: اصطلاحات مهم، متفکران مهم، متون مهم، و هنرها. مدخل‌ها در هر فصل به ترتیب الفبایی چیده شده‌اند.^۱ فصل اصطلاحات مهم، که بیشترین حجم را دارد، شامل مروری مقدماتی بر مفاهیم، موضوعات و رویکردهای اصلی در فلسفه هنر است. محتوای فصل متفکران مهم نیازی به توضیح ندارد، اما توجه داشته باشید که فصل متون مهم حاوی بررسی دقیق‌تر متونی است که برخی متفکران مهم نوشته‌اند (در این موارد، در مدخل مختص هر متفکر، خواننده را به مدخل مربوط در فصل متون مهم ارجاع می‌دهم). برای خوانندگانی که مایل‌اند راه خود را به فلسفه هنر با تمرکز بر یک نوع هنری خاص بکشایند، فصل هنرها دربردارنده مدخل‌هایی درباره معماری، رقص، فیلم، ادبیات، موسیقی، عکاسی، تراژدی و هنر تجسمی است. این مدخل‌ها نگاهی ویژه به برخی موضوعات تأمل‌برانگیز فلسفی دارند که در ارتباط با هر نوع هنری مطرح می‌شوند و، افزون بر این‌ها، در این مدخل‌ها ارجاعات فراوانی به دیگر مدخل‌های کتاب خواهید یافت.

شاید بخواهید از این کتاب فقط برای جستجوی اصطلاحات، متفکران، متون و انواع هنری استفاده کنید که در مطالعات خود به آن‌ها برمی‌خورید. اما در عین حال کتاب به شیوه‌ای نوشته شده که می‌توانید از آغاز تا پایان آن را بخوانید. رویکردتان هرچه باشد، توصیه اکید دارم که با مقدمه و مدخل‌های ارزش هنر و تعریف هنر از فصل مفاهیم مهم شروع

۱. ذکر این نکته لازم است که این ترتیب الفبایی در ترجمه کتاب به فارسی رعایت نشده است. (همه پانویس‌ها از مترجم است.)

کنید که اساسی‌ترین بخش‌های کتاب‌اند. ارجاعات درون‌متنی پرشمار این کتاب یکی از ویژگی‌های سودمند آن است؛ این ارجاعات را همچون پیوندهای اینترنتی در نظر بگیرید. وقتی واژه‌ای را با حروف سیاه می‌بینید - پس از اتمام مطالعه مدخل حاوی آن - به سراغ مدخل «پیوندی» بروید تا اطلاعات بیشتر و / یا زمینه گسترده‌تری درباره آن اصطلاح، متن یا متفکر دستگیرتان شود؛ این کار به شما کمک خواهد کرد که درک عمیق‌تر و وسیع‌تری از مجموعه موضوعات مد نظر به دست آورید. گاهی به صورت متفاوتی از مفهوم مورد استفاده (مثلاً «هستی‌شناختی») برای ارجاع به یک مدخل («هستی‌شناسی») برخورد خواهید خورد. اگرچه این کتاب کم‌حجم است، با دنبال کردن این پیوندهای مجازی، می‌توانید به کندوکاوی عمیق درباره موضوعات و متفکران بخصوص بپردازید.

کتاب حاضر شامل نمایه‌ای سودمند است؛ اگر مثلاً دنبال اطلاعاتی درباره فیلسوف خاصی می‌گردید، ولی هیچ مدخلی را مختص او نمی‌یابید، نمایه را بررسی کنید؛ شاید بحثی در باب آن فیلسوف در مدخل اصطلاحی آمده باشد. مثلاً، گرچه مدخلی به موریس مرلوپونتی یا رومن اینگاردن اختصاص نیافته است، بحث‌هایی را در باب آثار ایشان در مدخل پدیدارشناسی خواهید یافت. در نمایه، اگر اصطلاح، اسم خاص یا متنی مدخل اختصاصی داشته باشد، صفحه مربوط به آن مدخل با حروف سیاه درج شده است. نمایه همچنین شامل نام نویسندگانی است که در مدخل‌ها نیامده اما نامشان در فهرست «برای مطالعه بیشتر» مدخلی ذکر شده است. از آن‌جا که هدف مدخل‌های این کتاب آن است که صرفاً مروری مقدماتی بر موضوعات به خواننده عرضه کند، نهایتاً دانشجو مایل خواهد بود که فهم خود را از طریق تمرین کلاسی یا مطالعه بیشتر شخصی تکمیل کند. به همین منظور، پیشنهادهای خیلی خاصی برای مطالعه بیشتر در پایان هر فصل و همچنین در پایان کتاب - راهنمایی برای مطالعه بیشتر - آورده‌ام که فهرستی از متون عمومی متعددی برای مطالعه

بیشتر است. چند دسته متفاوت از منابع هستند که دانشجو می‌تواند افزون بر این کتاب بررسی کند. بدیهی است که متون دست‌اول در صدر قرار دارند؛ علاوه بر متون مهم که در این کتاب بررسی شده، تعدادی از متون دست‌اول مکمل در پایان مدخل‌های مختلف پیشنهاد شده‌اند. در وهله دوم، مجموعه‌های منتخب از متون اصلی هستند، مثلاً

Janaway, C. (ed.) (2005), *Reading Aesthetics and Philosophy of Art: Selected Texts with Interactive Commentary*. Wiley-Blackwell.

تعدادی از مجموعه‌های منتخب مکمل در راهنمایی برای مطالعه بیشتر ذکر شده‌اند. این بخش همچنین شامل فهرستی از راهنماهای عمومی و دست‌نامه‌هاست، از قبیل

Levinson, J. (ed.) (2005), *The Oxford Handbook of Aesthetics*. Oxford University Press.^۱

چنین کتاب‌هایی معمولاً شامل فصل‌هایی مختص موضوعات و مفاهیم محوری این حوزه‌اند. متون مقدماتی دسته‌ای دیگر را تشکیل می‌دهند، مثلاً

Davies, S. (2006). *The Philosophy of Art*. Wiley-Blackwell.^۲

چند متن مقدماتی دیگر نیز در بخش برای مطالعه بیشتر گنجانده شده است. در نهایت، دانشجو در صورت تمایل می‌تواند به این مجموعه فوق‌العاده سودمند چهارجلدی رجوع کند:

Kelly, M. (ed.) (1998), *Encyclopedia of Aesthetics*. New York and Oxford: Oxford University Press.^۳

۱. این مجموعه را مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن» (فرهنگستان هنر) تحت عنوان مجموعه مقالات زیبایی‌شناسی آکسفورد در پنج جلد به کوشش فریبرز مجیدی منتشر کرده است.

۲. این کتاب را محمدرضا ابوالقاسمی به فارسی ترجمه و چاپ اول آن را نشر نی در سال ۱۴۰۰ منتشر کرده است.

۳. این کتاب را مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۳ با عنوان دایرة المعارف زیبایی‌شناسی منتشر کرده است.

مقدمه

فلسفه هنر چیست؟

چرا به هنر بها می دهیم؟ هنر چیست؟ آیا کیفیت خاصی بین همه آثار هنری مشترک است؟ اثر هنری چه جور چیزی است؟ (آیا اثر هنری شیئی مادی است؟ یا موجودیتی ذهنی؟ یا شیئی انتزاعی؟) ما بر چه اساسی آثار هنری را داوری یا ارزیابی می کنیم؟ این احکام زیباشناختی ذهنی اند یا عینی؟ تجربه زیباشناختی چیست؟ هنر و اخلاق چه رابطه ای با هم دارند؟ هنر و سیاست چگونه؟ هنر و احساسات چه رابطه ای با هم دارند؟

فلسفه هنر به این مسائل و سؤالات متعدد دیگر می پردازد. یکی از روش های اندیشیدن درباره کار فیلسوفان هنر این است: آن ها موضوعاتی را واکاوی می کنند که هنرمندان، منتقدان، تاریخ نگاران هنر و شیفتگان هنر مایل اند بدیهی بینکارند یا از آن ها غفلت ورزند. فلسفه هنر (یعنی نظریه فلسفی هنر، که با نظریه های جامعه شناختی یا روان شناختی هنر فرق دارد) در صدد پاسخگویی به پاره ای پرسش های بنیادین از این دست است. هدف نظریه فلسفی هنر دست کم این است که ما را در تعیین این که چه چیزهایی اثر هنری اند و توضیح این که چرا برای هنر ارزش

قایلم یاری دهد؛ پربارترین نظریه‌ها همچنین می‌کوشند معیارهایی برای ارزیابی آثار هنری منحصر به فرد ارائه کنند.

در این بین دو موضوع تعریف هنر و ارزش هنر محوری‌اند. در خصوص تعریف، فیلسوفان کوشیده‌اند هنر را با توجه به ویژگی خاص، کارکرد یا پیوند آثار هنری با زمینه‌شان، تعریف کنند. مثلاً، گفته‌اند که هنر را می‌توان از لحاظ بازنمایی، «صورت معنادار» (نک. صورت‌گرایی؛ کلایو بل)، ایجاد تجربه زیباشناختی (نک. جان دیویی؛ مونرو بیردزلی)، بیانگری احساس (نک. آر. جی. کالینگود) و غیره تعریف کرد. برخی فیلسوفان ارزش هنر را در ویژگی‌های معرف مذکور می‌یابند؛ مثلاً، شاید ارزش هنر به این باشد که نقش بیان احساسات را ایفا می‌کند. شماری برداشت‌های دیگر هم از ارزش هنر ارائه کرده‌اند. ساده‌ترین آن‌ها شاید این باشد که هنر ارزشمند است چون درک آن لذت‌بخش است. عمیق‌تر از آن، شاید هنر به این خاطر ارزشمند است که بهترین آثار هنری می‌توانند ارزش‌های فرهنگی را انتقال دهند (نک. گ. و. ف. هگل). شاید هم هنر از آن روی ارزشمند است که (مثلاً) بهترین آثار موسیقی تفکر مستقل و استعداد انتقادی را در شنوندگان تقویت می‌کنند (نک. تئودور و. آدورنو).

منظور فیلسوفان هنر از «هنر» چیست؟

فراگیر بودن هنر در دوره‌ها و فرهنگ‌های گوناگون بیانگر این است که انگیزه اصلی آواز، رقص، طراحی و داستان‌سرایی منشأ تکاملی دارد. گرچه افلاطون و ارسطو درباره شعر، نقاشی، موسیقی و غیره نوشته‌اند، درک آن‌ها از هنرها با درک ما متفاوت است (نک. تعریف هنر). ما در فرهنگ خود، در غربِ امروزی، تلقی خاصی از هنر را به کار می‌بریم. از قرن هجدهم، دسته‌بندی نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، شعر و معماری تحت عنوان «هنرهای زیبا» (les beaux arts) رواج داشته است (برخی اندیشمندان مانند شارل باتو بر سر شمول معماری چون و چرا

کرده‌اند). در آن مقطع، این هنرها بر اساس برداشت‌ها از زیبایی، زیباشناسی، لذت و تقلیدگری (نک. بازنمایی) در یک دسته جای گرفتند. از قرن هجدهم به این سو، این فهرست از انواع هنری توسعه یافته است؛ اکنون ما معمولاً ادبیات منثور، فیلم، عکاسی، رقص و غیره را نیز در دسته هنرهای زیبا قرار می‌دهیم. مفهوم هنر، که امروزه فیلسوفان هنر بدان می‌پردازند، روی هم رفته همین است.

فلسفه: تحلیلی و قاره‌ای

شاید خواننده از دریافتن این موضوع تعجب کند که بسیاری از فیلسوفان بزرگ در سنت فلسفی به تفصیل در باب هنر نوشته‌اند: افلاطون، ارسطو، دیوید هیوم، ایمانوئل کانت، گ. و. ف. هگل، فریدریش نیچه، مارتین هایدگر، جان دیویی و دیگران (نک. مدخل‌های مربوط به همه این فیلسوفان در فصول «متفکران مهم» و «متون مهم»). گرچه آثار این فیلسوفان بسیار گوناگون است، همه آن‌ها از استدلال‌هایی بهره می‌گیرند. البته انواع مختلفی از استدلال هم وجود دارد، ولی فیلسوفان در اساسی‌ترین معنا ادعاهایی را مطرح می‌کنند و این ادعاها را مستدل می‌سازند. این فعالیت کلی هم فلسفه تحلیلی و هم فلسفه قاره‌ای را پیش می‌برد. فلسفه تحلیلی سنت مسلط انگلیسی-آمریکایی است؛ فیلسوفان تحلیلی اهمیتی اساسی برای وضوح و قوت استدلال قایل‌اند؛ بعضی از فیلسوفان تحلیلی ادعا کرده‌اند که دغدغه اصلی فلسفه تحلیلی تحلیل مفاهیم است. همان‌طور که نوئل کارول در فلسفه هنر خود می‌نویسد، «مقصود فلسفه تحلیلی هنر واکاوی مفاهیمی است که آفرینش هنری و اندیشیدن درباره آن را ممکن می‌سازند. برخی از این مفاهیم عبارت‌اند از: خود مفهوم هنر، و نیز مفاهیم بازنمایی، بیانگری، صورت هنری و زیباشناسی» (1999, p. 5). (مثلاً نک. تعریف هنر).

پس فلسفه قاره‌ای چیست؟ از نیمه دوم قرن بیستم به این سو،

فیلسوفان انگلیسی-آمریکایی تمایزی بین فلسفه تحلیلی و فلسفه قاره‌ای قایل شده‌اند. فلاسفه تحلیلی و قاره‌ای، از فلسفه یونان باستان تا ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴)، سنت فلسفی مشترکی دارند؛ پس از کانت سنت‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند. پس از آن، به‌ویژه سنت قاره‌ای مُشتی از جنبش‌های اغلب ناهمسو را در بر می‌گیرد که بر پایهٔ روش‌شناسی‌ها و مفروضات متفاوت بنا شده‌اند: فلسفه آلمانی در قرن نوزدهم (نک. هگل، شوپنهاور)؛ پدیدارشناسی و اگزیستانسیالیسم (نک. پدیدارشناسی، نیچه، هایدگر)؛ مارکسیسم و نظریهٔ انتقادی (نک. مارکسیسم، آدورنو، بنیامین)؛ ساختارگرایی، پساساختارگرایی و پست‌مدرنیسم (نک. بارت، بوردیو، ادبیات). یک روش برای درک سنت قاره‌ای آن است که این فیلسوفان از بررسی مسائلی که به طور انتزاعی بدان‌ها می‌پردازند سر باز می‌زنند؛ آن‌ها معمولاً موضوع اصلی کارشان را درون بستری اجتماعی-سیاسی (مارکسیسم و نظریهٔ انتقادی)، زمینه‌ای تاریخی (هگل و ایدئالیسم آلمانی) یا در بافتی از تجربهٔ زیسته (پدیدارشناسی) - یا تلفیقی از این زمینه‌ها - در نظر می‌گیرند. (بعضی از فیلسوفان تحلیلی نیز، به‌خصوص در دهه‌های اخیر، رفته‌رفته به چنین زمینه‌هایی توجه نشان داده‌اند.) کتاب حاضر گرچه طوری تدوین شده است که بر فلسفه تحلیلی هنر تأکید دارد و عمدتاً به سبک تحلیلی نوشته شده است، بیش از آنچه از کتاب مرجعی با این کم‌وکیف انتظار می‌رود شامل فلسفه قاره‌ای می‌شود. دیدگاه‌های قاره‌ای نه‌تنها در مدخل‌های مربوط به متفکران، متون و هنرها گنجانده شده، بلکه، به فراخور بحث، وارد مدخل‌های اصطلاحات نیز شده است.

آخرین نکتهٔ مقدماتی: بعضاً از فلسفه هنر تحت عنوان زیباشناسی یاد می‌شود؛ این مسئله‌ساز است. به بیان درست، زیباشناسی با موضوعات حول تجربهٔ زیباشناختی از هنر و طبیعت سروکار دارد، که زیبایی و دیگر ویژگی‌های زیباشناختی را در بر می‌گیرد. فیلسوفان هنر به موضوعات

متعددی می‌پردازند که هیچ ربطی به زیباشناسی، ذیل درک درستی از آن، ندارند. در دهه‌های اخیر، حتی نظریه‌های فلسفی عمومی‌ای دربارهٔ هنر عرضه شده که تمرکزی بر زیباشناسی ندارند؛ در واقع، بعضی نظریه‌ها اساساً متضمن زیباشناسی نیستند (مثلاً آرتور دانتو).

برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ این مدخل

- Carroll, N. (1999), *Philosophy of Art: A Contemporary Introduction*. London: Routledge Press.
- Cooper, D. E. (1994), "The presidential address: Analytical and continental philosophy." *Proceedings of the Aristotelian Society*, 94: 1-18.
- Kristeller, P. O. (1951), "The modern system of the arts: A study in the history of aesthetics." *Journal of the History of Ideas*, 12: 496-527 and 13: 17-46.